

MLJ

مجله حقوق پزشکی



ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

کیفیت دادرسی مدنی و تأثیر آن بر رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی

محمد جواد روحیان^۱ , محمود قیومزاده^۲ , سید ابراهیم حسینی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق خصوصی، واحد ساوه دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

۳. استادیار، گروه حقوق، موسسه آموزشی و پژوهشی حضرت امام خمینی (ره)، قم، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: کیفیت آیین دادرسی مدنی از موضوعات مهمی و نسبتاً نوین آیین دادرسی مدنی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در این مقاله تلاش شده، مؤلفه‌های کیفیت آیین دادرسی مدنی تبیین شده و در ادامه نحوه تأثیر آن بر رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: مقاله مورد اشاره توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است. **یافته‌ها:** مفهوم کیفیت دادرسی بر کارایی دادرسی تأکید دارد. اطاله دادرسی، هزینه‌های دادرسی و فقدان دادرسی عادلانه از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی است که با تأثیر منفی بر کارایی، موجب طولانی شدن فرایند دادرسی و افزایش هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. آسیب‌های برشمرده، حقوق شهروندی را متأثر نموده و حقوق شهروندی را در فرایند دادرسی تضعیف می‌سازد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: نتایج مقاله بیانگر این امر است که کیفیت دادرسی با تمرکز بر تحقق دادرسی کارآمد، از جمله تضمین‌های بنیادین سیستم عدالت مدنی نقش تأثیرگذاری در رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی دارد. کیفیت دادرسی بر عواملی همچون معقول و متعارف بودن زمان و متناسب بودن هزینه‌های دادرسی متمرکز بوده و با ارتقاء، بهینگی و مطلوبیت دادخواهی به رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی کمک می‌کند. بر این اساس، روند دادخواهی از منظر اقتصادی برخوردار است و افراد بر اساس فرض عقلانیت اقتصادی رفتار می‌کنند و به منظور دستیابی به منافع بیشتر دست به انتخاب زده و گاه اقامه دعوا در دادگاه را پذیرفته و گاه به صلح و سازش بدون رجوع به دادگاه روی می‌آورند و همین امر می‌تواند به کاهش اطاله دادرسی، کاهش هزینه‌های دادرسی و لذا رعایت حقوق شهروندی بیانجامد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

واژگان کلیدی:

کیفیت دادرسی مدنی

اطاله دادرسی

کارایی

تناسب زمان

تناسب هزینه

* نویسنده مسؤؤل:

محمود قیومزاده

آدرس پستی: ایران، ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ساوه، گروه حقوق.

کد پستی: ۳۹۱۹۷-۱۵۱۷۹

تلفن: ۰۸۶-۴۲۴۳۳۳۴۲

پست الکترونیک:

Maarefteacher@yahoo.com

۱. مقدمه

رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی به عنوان یک اصل و قاعده‌ی بنیادین و اجتناب‌ناپذیر شناخته می‌شود با این حال، حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی مدنی با چالش‌های متعددی مواجه است. اطاله دادرسی یکی از مشکلات اساسی دستگاه قضایی و موانع حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی مدنی است. اطاله دادرسی هم منشأ تضییع حقوق است و هم سبب می‌شود که خدمات قضایی، خوب تلقی نشود و همچنین منشأ اعمال غرض می‌شود (۱). از این رو می‌توان گفت سرعت در رسیدگی و صدور رأی فی‌نفسه امر مطلوبی است (۲). یکی دیگر از چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی، دادرسی منصفانه است. اصلی‌ترین رسالت دستگاه قضایی رسیدگی به پرونده‌ها در راستای احقاق حق و اجرای عدالت است.

در همین حال، مفهوم کیفیت دادرسی، که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد. از جمله عناصر کیفیت دادرسی، زمان دادرسی و هزینه‌های دادرسی است که در صورت توجه به این دو عنصر در سیاست‌گذاری‌های راجع به رهیافت‌های بهبود و ارتقای کیفیت دادرسی می‌توان به ذخیره زمانی (صرفه‌جویی در زمان) و درونی کردن هزینه‌های دادخواهی دست یازید. کیفیت دادرسی در ادبیات داخلی چندان شناخته شده نبوده و بیشتر با رویکرد سلبی از قبیل اطاله دادرسی، هم در رویه قضایی و هم دکتترین حقوقی، مورد توجه قرار گرفته است (۳). در ادبیات بین‌المللی نیز، بیشتر با رویکرد ایجابی و در قالب مفاهیمی همچون دادرسی معقول و متعارف، دادرسی سریع، همکاری حداکثری در جریان دادرسی، بهداشت حقوق قضایی و غیره مورد توجه بوده است (۴). اگرچه گاه نمی‌توان اصول دادرسی را به موارد قابل شمارشی محدود کرد اما برای کیفیت دادرسی می‌توان سه رکن اصلی و مهم را می‌توان برای تشکیل آن برشمرد؛ اصل صحت آراء دادرسی و در نتیجه عدالت در دادرسی، کاهش هزینه‌ی دادرسی و کاهش زمان دادرسی (۵). سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و مورد بررسی قرار می‌گیرد این است

که کیفیت دادرسی چه تأثیری بر رعایت حقوق شهروندان در فرآیند دادرسی دارد؟

در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره، ابتدا چارچوب نظری تحقیق بررسی می‌شود، سپس به مؤلفه‌های کیفیت آیین دادرسی مدنی پرداخته شده و در ادامه تأثیر کیفیت دادرسی مدنی بر حقوق شهروندی در فرآیند دادرسی مدنی تبیین و تحلیل و در نهایت نتیجه‌گیری بیان شده است.

۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۳. موارد و روش‌ها

مقاله مورد اشاره توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته و جمع‌آوری داده‌ها، با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است. یافته‌ها: مفهوم کیفیت دادرسی بر کارایی دادرسی تأکید دارد. اطاله دادرسی، هزینه‌های دادرسی و فقدان دادرسی عادلانه از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی است که موجب طولانی شدن فرآیند دادرسی و هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. آسیب‌های برشمرده، حقوق شهروندی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید.

۴. یافته‌ها

مفهوم کیفیت دادرسی بر کارایی دادرسی تأکید دارد. اطاله دادرسی، هزینه‌های دادرسی و فقدان دادرسی عادلانه از جمله آسیب‌ها و معایب سیستم عدالت مدنی و دستگاه قضایی است که موجب طولانی شدن فرآیند دادرسی و هزینه‌های طرح دعوا تا ختم آن است. آسیب‌های برشمرده، حقوق شهروندی را متأثر نموده و به لحاظ اقتصادی نیز کارکرد منفی فردی و اجتماعی تولید می‌نماید.

۵. بحث

۵-۱. چارچوب نظری؛ کارآمدی دادرسی

کارآمدی دادرسی به عنوان مبنا و چارچوب نظری مقاله حاضر انتخاب شده است. برحسب اینکه کیفیت دادرسی دارای ابعاد اقتصادی نیز بوده و همچنین بر کارایی دادرسی تأکید دارد از کارایی دادرسی به عنوان چارچوب نظری که بیش از هر اصل و نظریه دیگری، تبیین‌کننده مباحث مقاله حاضر است استفاده می‌شود. کارآمدی یا کارایی در لغت پارسی افاده جایگاه صفت برای شخص یا فعل دارد. به اعتبار صفت فرد انسانی، تعریف به شخص کاردان، توانمند، مجرب و یا شخصی که کارها را به نیکویی انجام می‌دهد آمده است و به اعتبار فعل، دربرگیرنده کار یا شیء مفید، و وسیله، به درد بخور است (۶). در فرهنگ لغات عمومی آکسفورد نیز کارایی بر ذخیره زمان یا هزینه، در انجام دادن کاری به منظور افزایش کیفیت آن تعریف شده است (۷). در لغت‌نامه‌های فرانسوی نیز لغت «افی کسی‌ته» متضمن بازدهی، فایده و سودمندی آمده است (۸). از آنجا که کارایی اساساً مفهومی اقتصادی است لذا مناسب است که گلچینی از تعاریف اقتصاددانان مورد نمایش واقع گردد. برخی کارایی را حداکثر استفاده ممکن از منابع و فرصت‌های در دسترس واحدها و کارگزاران تعریف نموده‌اند (۹). بر این اساس، کارآمدی مجموعه ترتیباتی است که به سوی بهترین و بیشترین استفاده از امکانات سوق می‌دهد (۱۰). پل ساموئلسون در کتاب اصول علم اقتصاد (۱۱) و مارک بلاگ در کتاب روش شناسی اقتصادی (۱۲) نیز بیشتر، وجه سلبی تعریف از کارآمدی را در نظر داشته و قدر مشترک تعریف آن‌ها معطوف به جلوگیری از اتلاف منابع و عبور از شرایط با وضعیت‌های نامطلوب شده است.

۵-۲. کیفیت دادرسی مدنی و مؤلفه‌های آن

در این قسمت تلاش شده به بررسی کیفیت دادرسی مدنی و مؤلفه‌های آن پرداخته شود.

۵-۲-۱. کیفیت دادرسی مدنی

کیفیت دادرسی، از جمله تضمین‌های بنیادین سیستم عدالت مدنی است. این کیفیت و کارایی به عواملی همچون معقول و متعارف بودن زمان، دقت در صحت آراء و متناسب بودن هزینه‌های دادرسی وابستگی تام دارد و از سوی دیگر بهینگی و مطلوبیت دادخواهی ارتباط تنگاتنگی با روش‌های دادرسی و حجم دعاوی دارند. روند دادخواهی از منطلق اقتصادی برخوردار است و افراد بر اساس فرض عقلانیت اقتصادی رفتار می‌کنند و به منظور دستیابی به منافع بیشتر دست به انتخاب زده و گاه اقامه دعوا در دادگاه را پذیرفته و گاه به صلح و سازش بدون رجوع به دادگاه را برمی‌گزینند. کیفیت دادرسی با تأکید بر سازماندهی کارکرد اجتماعی دادرسی، انگیزه خصوصی طرفین به دنبال عدالت اقتصادی در کنار عدالت مدنی است.

در راستای تبیین مفهوم کیفیت دادرسی، بحث چگونگی بهبود و ارتقای کیفیت خدماتی که از جانب دستگاه قضایی ارائه می‌گردد و تناسب آن با انتظارات مراجعین محاکم و نهادهای مرتبط با دستگاه قضا موجب شد که «مجمع عمومی کمیسیون اروپای برای کارآمدی عدالت»^۱ در آخرین ماه سال ۲۰۱۶ سندی تحت عنوان «راهنمای رویه مطلوب» که توسط «کارگروه کیفیت دادگستری» تنظیم و تهیه گردیده بود را تأیید و منتشر نماید (۱۳). در این سند ابتکارها و اقدامات ساختاری که توسط برخی از کشورهای عضو شورای اروپا در جهت بهبود نظام دادرسی مدنی (حقوقی) و اداری اتخاذ گردیده، در بخش‌های مختلف مورد بحث قرار گرفته است. کمیسیون هدف از انتشار این سند را ارائه چارچوبی جهت بهره‌مندی سیاست‌گذاران و مدیران عالی نظام‌های قضایی کشورهای عضو از تجارب موفق اعلام نموده است. یکی از ویژگی‌های مثبت این سند، بیان توأمان جنبه‌های مثبت و منفی تجارب و اقدامات صورت گرفته در برخی کشورهای عضو می‌باشد که این امر کمک بسزایی به سیاست‌گذاران در آینده‌نگری و مرتفع نمودن ایرادهای

¹ European Commission For The Efficiency Of Justice (Cepej)

جلوگیری از اتلاف منابع است و هم دایر بر افزایش بهره‌وری که در دو حالت در راستای رعایت حقوق و منافع شهروندان قابل تبیین است. مراد از کیفیت دادرسی در پژوهش حاضر انتخاب مفهوم متعادل، فراگیر و عام از کیفیت دادرسی با تکیه بر عوامل تشکیل‌دهنده اقتصادی و فراقضایی کیفیت دادرسی است. بنابراین قاعده‌ای کارآمد است که مطابق شرایط نظام حقوقی و هدف از آن، موجب بهبود وضعیت و حقوق شهروندی افراد جامعه گردد. معیار بهبودی و بهینه‌گرایی در وضعیت افراد جامعه نه تنها کیفیت دادرسی اثباتی را در نظر دارد بلکه توجهی شایان نیز به کیفیت دادرسی هنجاری دارد.

۵-۲-۲. مؤلفه‌های کیفیت دادرسی

مؤلفه‌های کیفیت دادرسی عبارتند از:

۵-۲-۲-۱. منصفانه بودن فرآیند رسیدگی و تصمیم

اتخاذ شده

آیین دادرسی فرآیند قانونی یا تشریفات رسیدگی به اختلاف یا دعوی را مشخص می‌سازد و دادرسی عادلانه اصول و مواردی را شامل می‌شود که به عنوان معیارهایی در این آیین یا خارج از آن باید تضمین شود تا دادرسی عادلانه باشد. به رغم تقسیم آیین دادرسی به مدنی و کیفری به نظر می‌رسد دادرسی عادلانه با آیین دادرسی کیفری قرابت بیشتری داشته باشد؛ آیین دادرسی کیفری در بردارنده فرآیند رسیدگی به دعاوی کیفری در مراجع صالح است و مقررات آن همچون چتری از آغاز طرح شکایت یا تعقیب متهم تا پایان دادرسی، صدور رأی و اجرای رأی سایه گسترانیده است. محتوای مقررات آیین دادرسی کیفری در بردارنده حقوقی است که می‌تواند ضامن عدالت باشد و در نهایت منادی حقی تحت عنوان حق بر دادرسی عادلانه گردد (۱۴). دادرسی عادلانه وصف ترکیبی است که برای ارائه تعریف دقیق از آن، واکاوی هر جزء آن مفید به نظر می‌رسد. دادرسی به معنای «رسیدگی و تصمیم‌گیری قضایی درباره موضوعات میان طرفین دعوا، چه امور حکمی و چه موضوعی، در دادگاهی صلاحیت‌دار» یا «رسیدگی قضایی به امور موضوعی و حکمی میان طرفین، در

مطرح پیرامون کاربست این تجارب نموده است. همچنین باید توجه داشت که پیشنهادها و رهنمودهای سند به‌طور مشخص مربوط به دادرسی مدنی (حقوقی) و اداری است و غالباً دادرسی کیفری را در بر نمی‌گیرد. به عنوان یک قاعده، زمانی که قصد سنجش و ارزیابی نظام مدیریت قضایی را داریم می‌بایست سه معیار را مدنظر قرار دهیم: ۱- منصفانه بودن فرآیند رسیدگی و تصمیم اتخاذ شده ۲- بازه زمانی رسیدگی ۳- هزینه‌های تحمیل شده به اصحاب دعوی و همچنین هزینه‌های عمومی کارآمدی نظام قضایی در گرو توازن و هماهنگی میان این سه عنصر اساسی می‌باشد و وظیفه سیاست‌گذاران و مدیران عالی قضایی است تا با بهره‌گیری از امکانات، توازن مطلوب را ایجاد نمایند. آنچه در این خصوص حائز اهمیت است، توجه به هر سه مورد می‌باشد و به عبارتی نمی‌بایست هیچ یک از عناصر را قربانی دیگری کرد. برای مثال کاهش هزینه‌های عمومی نباید منجر به کاهش دسترسی مردم به مراجع قضایی شود و یا کاهش زمان رسیدگی نمی‌بایست به نحوی باشد که باعث کاهش کیفیت رسیدگی و عدم رعایت اصول مهم رسیدگی مانند اصل تناظر گردد.

در مجموع، مراد از کیفیت دادرسی در مقاله حاضر انتخاب مفهوم متعادل، فراگیر و عام از کیفیت دادرسی با تکیه بر عوامل تشکیل‌دهنده اقتصادی و فراقضایی کیفیت دادرسی است. بنابراین قاعده‌ای کارآمد است که مطابق شرایط نظام حقوقی و هدف از آن، موجب بهبود وضعیت افراد جامعه گردد. معیار بهبودی و بهینه‌گرایی در وضعیت افراد جامعه نه تنها کیفیت دادرسی اثباتی را در نظر دارد بلکه توجهی شایان نیز به کیفیت دادرسی هنجاری دارد.

بر اساس آنچه گفته شد، کیفیت دادرسی رابطه تأثیرگذاری با مفهوم حقوق شهروندی دارد. کیفیت دادرسی به تناسب موضوع علم حقوق (قانون، دادگستری، کارگزاران حقوقی، دادرسی) و در بستر زمان و مکان مورد لحاظ قرار می‌گیرد. مهم‌ترین شاخصه‌ای که طبق تعریف ارائه شده از کیفیت دادرسی بعمل آمد، عبارت از سودمندی حداکثری از منابع جامعه و حقوق شهروندان است. به عبارتی کیفیت دادرسی هم

لازمه حل اختلاف، به اعتبار امکانات سیستم قضایی و ماهیت دعاوی، است.

باید در نظر داشت که منظور از زمان دادرسی در ادبیات تحلیل اقتصادی حقوق دادرسی مدنی، مفهوم کارسنجی از آن بوده و شامل حد زمانی شروع دعوا تا صدور حکم و اجرای آن می‌شود. با این برداشت، آنچه که در تحلیل اقتصادی مدنظر است، لزوم مدیریت زمان دادرسی با تکیه بر نظریه‌ها و روش‌های کارآمد است.

۵-۲-۲-۳. هزینه‌ها

یکی از مؤلفه‌های مهم کیفیت دادرسی کاهش هزینه دادرسی است. هزینه دادرسی از آن جهت حائز اهمیت است که به عنوان متغیری در فرایند تعیین نرخ دعوا و حساسیت دعوا به شمار می‌رود (۲۲). استیون شاول در مقاله سطح دادخواهی، سیستم دادرسی را به عنوان یکی از سیستم‌های مشمول خدمات عمومی، گران و پرهزینه معرفی می‌نماید (۲۳). گروهی دیگر معیار کیفیت دادرسی نظام دادرسی را مبتنی بر هزینه‌های صرف شده در دادرسی می‌دانند (۲۴). برخی دیگر نیز ارزیابی منفی از دادرسی نسبت به طرفین اختلاف، به ویژه خواهان، را ملاکی برای هزینه بر بودن دادرسی قلمداد نموده‌اند (۲۵). اندکی نیز کیفیت دادرسی مدار سیستم هزینه‌ها دانسته و اقدام به ارائه راه‌حلهایی در این زمینه نموده‌اند (۲۶).

هزینه دادرسی مدنی را گروهی به اعتبار مراحل دادرسی به هزینه دادرسی اولیه، هزینه هدایت دادرسی و هزینه نهایی دادرسی تقسیم نموده‌اند (۲۷)، برخی نیز هزینه‌های دادرسی را؛ به اعتبار هزینه‌های فردی آن، به هزینه‌های مادی و معنوی منقسم نموده‌اند (۲۸). تقسیم دیگری نیز هزینه دادرسی را در دو مفهوم اخص و اعم در نظر می‌گیرد (۲۹). در تحلیل اقتصادی دادرسی مدنی، مراد از هزینه دادرسی، شامل هزینه‌های خصوصی دادرسی و هزینه‌های اجتماعی دادرسی است. هزینه‌های خصوصی دادرسی نیز نسبت به هر یک از اصحاب دعوا- عبارت از هزینه‌های مادی (مستقیم یا غیرمستقیم) و هزینه‌های معنوی است (۳۰). هزینه‌های

دعوی کیفری یا مدنی، نزد دادگاهی صلاحیت‌دار به کار رفته است» (۱۵). در کل دادرسی عادلانه یا منصفانه به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق شهروندی طرفین در فرآیند دادرسی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است.

۵-۲-۲-۲. بازه زمانی رسیدگی

از مؤلفه‌های مهمی، که نقشی بنیادین در کیفیت دادرسی نیز ایفاء می‌نماید. زمان دادرسی است. زمان دادرسی از علل افزایش هزینه دادرسی و نهایتاً کاهش کیفیت آن است کمیسیون اروپایی کیفیت دادرسی دادگستری در یکی از گزارش‌های خود اقدام به تبیین مفهوم، عناصر و آثار کیفیت آرای قضایی نموده است (۱۶). زمان به لحاظ ادبی و ذاتی عبارت از پیوستاری دنباله‌دار از هستی که فاقد بعد مکانی است (۱۷). ظرفی است که همه حوادث و رویدادهای هستی در درون آن اتفاق می‌افتد (۱۸). اندازه‌گیری زمان یا واحدهایی مانند ثانیه، دقیقه، ساعت، سال، قرن و... سنجیده می‌شود و به همین اعتبار به زمان‌های حال، گذشته و آینده منقسم می‌شود (۱۹). مفهوم لغوی از زمان کنکاشی فیزیکی و فصلی از آن است که اهمیت اساسی در تنظیم برنامه‌ها و درک افراد از آن دارد. لکن زمان حقوقی یا قضایی مفهومی برگزیده از زمان فیزیکی است (۲۰). زمان حقوقی نشان‌دهنده نقطه شروع امتیازها و تعهدات یا تکالیف و، برعکس، نقطه سرانجام آن‌ها است. این نوع زمان در دادرسی نیز به اعتبارهای گوناگون مورد توجه است. زمان دادرسی در مفهوم اخص افاده مواعد و مهلت‌های قضایی با قانونی است. باب ششم از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) نیز از ماده ۴۴۲ لغایت ماده ۴۵۲ اختصاص به مواعد قانونی و مهلت‌های قضایی و همچنین شیوه محاسبه آن‌ها دارد.

زمان دادرسی در مفهوم عام را باید مشعر بر دو زمان دانست (۲۱). زمان منفعل و زمان فعال. زمان منفعل نیز یا در مقام توصیف مرور زمان است و یا در بردارنده تأخیرهای ناموجه در اداره جریان دادرسی مدنی است. اما زمان فعال زمانی است که

اجتماعی یا عمومی دادرسی دربرگیرنده هزینه‌های اداری سیستم عدالت مدنی و هزینه‌های ناشی از خطاها و اشتباهات قضایی است (۲۴). به نظر می‌رسد که کنترل هزینه‌های اجتماعی دادرسی مدنی از طریق نظریه انتخاب دادخواهی، تا اندازه قابل توجهی، میسر گردد (۳۱). در نظریه اخیر سعی می‌گردد تا دو اصل انتقال ترجیحات دادرسی (۳۲) و اصل هزینه فرصت دادرسی مورد توجه قرار گیرد در زمینه کنترل هزینه‌های خصوصی دادرسی نیز باید به سه اصل اقتصادی تخصیص بهینه هزینه‌ها، معقول و متعارف بودن هزینه‌ها و اصل انتقال‌پذیری -ریسک- هزینه‌ها توجه نمود که در جای خود بدان‌ها پرداخته خواهد شد. اصل انتقال ترجیحات در اقتصاد کلان ذیل اصل رفتار عقلایی قرار می‌گیرند. رفتار عقلایی، دارای دو مفهوم است. مفهوم فردی عقلانیت که عمدتاً به معنای بیشینه کردن نفع شخصی است. مفهوم ساختاری نیز عبارت از تلاش برای حداکثر کردن (در قالب مطلوبیت برای مصرف‌کننده و سود برای تولیدکننده) است. بنابراین عقلانیت شامل رفتار منطقی است یا یک فرآیند خرد بنیان یا منطقی است و عاملان اقتصادی عقلایی، در درجه نخست منطقی هستند.

۳-۵. نحوه تأثیر کیفیت آیین دادرسی بر حقوق شهروندی در فرایند دادرسی

حقوق شهروندی طیف متنوعی از حقوق را شامل می‌شود. برخی از مصادیق حقوق شهروندی در حوزه حقوق قضایی است. به حقوق شهروندی در فرایند دعاوی کیفری پرداخته شده اما حقوق شهروندی در دادرسی مدنی چندان مورد توجه نبوده است. با این حال تردیدی نیست که شهروندان در فرایند دادرسی مدنی نیز صاحب حق هستند. برخورداری از دادرسی عادلانه، در پرتو حق اساسی مردم در دادخواهی، نمونه‌ی بارزی از حقوق شهروندی آنان است. دادرسی عادلانه یا عادلانه بودن دادرسی، عبارت و اصطلاحی صرفاً نظری نیست بلکه شکلی از دادرسی با به کار گرفتن قواعدی است که یک دادرسی عادلانه منتهی به حکمی عادلانه را تضمین می‌کند. دادرسی هنگامی عادلانه است که دادگاه قواعد و اصول مهمی

از دادرسی را رعایت کند. مقصود از دادرسی چنان که در اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ ق.آ.د.م نیز آمده، صدور حکم مقتضی و یا فصل خصومت است. این دو هدف مهم هنگامی جایگاه خود را پیدا می‌کند و طرفین دعوا را در پایان دادرسی، خرسند می‌سازد که برآمده از یک دادرسی عادلانه و موافق با اصول دادرسی باشد؛ طرفین دعوا باید در موضع طرح ادعا و دفاع، از حقوق آیینی برابر برخوردار باشند و سلاحی یکسان داشته باشند. مردم هنگامی دست از احقاق حق شخصی می‌شویند و تن به قضاوت دادگاه‌های دادگستری و سازمان قضایی دولتی می‌دهند که به عادلانه بودن دادرسی و درستی آن، باور قلبی و درونی پیدا کنند. قرار دادن اطراف دعوا در موقعیتی برابر و یکسان از جمله برخورداری هر یک از آنان از وکیل دادگستری، داشتن فرصتی برای طرح ادعا و دفاع، مجال ابراز دلیل و استفاده از اهرم‌های دادگاه به منظور استناد و دریافت اسنادی که در مراجع قضایی و دولتی نگهداری می‌شود، استفاده از وسایل اثباتی و احراز برای کشف حقیقت و روشن کردن مواضع و زوایای پنهان اختلاف و مهمتر از همه این‌ها بی‌طرف بودن دادرسی در رسیدگی به دعوا و موضوع اختلاف، همه و همه از نشانه‌های یک دادرسی عادلانه و قابل پذیرش است که هر دو طرف دعوا را پس از صدور حکم، خرسند و راضی به بیرون دادگاه می‌فرستد عدالت آیینی بر این پایه استوار است که مردم بتوانند در جریان یک دادرسی، سخن گفته و ادله خویش را ارائه دهند، مشارکت آنان در آراء تأثیرگذار تضمین شود و شخص ثالثی که رسیدگی به اختلاف به او واگذار شده، بی‌طرف و مستقل باشد. با این حال حقوق شهروندی در زمینه دادرسی عادلانه با موانعی روبه‌روست. طولانی شدن دادرسی، گام‌های عدالت کند می‌نماید و نتیجتاً مایه قباحت دادرسی است. به همین دلیل است که گویند تأخیر در اجرای عدالت نقض عدالت است. زاگرمین در مقاله "کیفیت و اقتصاد در آیین دادرسی مدنی" (۳۳) دادرسی توأم با تأخیر را مانع دسترسی به عدالت^۱ استدلال می‌نماید. در جای دیگری (۳۴) کیفیت پایین

¹ Access to Justice

۵ یا ۷ روز برای پاک‌نویس و انشاء رأی، فرصت ۳ روز برای جلب شخص ثالث، ۷ روز برای اعتراض به رأی کارشناس تعیین‌شده، ۱۰ روز فرصت برای اعتراض به صدور قرار تأمین خواسته و اموری از این دست را باید از مصادیق تشخیص زمان مناسب در استفاده از فرصت‌های دادرسی با مدیریت دادرسی دادگاه برشمرد.^۶ در الگوی توزیع زمان و دادرسی، ماهیت پرونده و نوع آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه نسبت به همه پرونده‌های مدنی زمان ثابتی برای استفاده از فرصت‌های آیینی اختصاص داده شده است. قانون‌گذار ایران پیش‌بینی نموده است که چنانچه در برخی موارد مهلت قانونی وجود نداشته باشد، بنا تشخیص دادرسی، مهلت قضایی به بازیگران دادرسی اعطا می‌گردد.^۷ لکن دادرسی در این زمینه افسارگسیخته عمل نکرده و مآخذ به شرایطی است. شرط تناسب و شرط تجدیدپذیر نبودن در مواد ۴۲۲، ۴۵۰ و ۴۵۳ از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ پیش‌بینی شده است. فراز دوم از ماده ۴۲۲ مقرر می‌دارد که موعد دادگاه باید به مقداری باشد که انجام امر مورد نظر در آن امکان داشته باشد. ماده ۴۵۳ نیز به لزوم عدم عدول مهلت قضایی از زمان قانونی و لزوم تناسب مهلت قضایی با مدلول فرصت آیینی تأکید دارد. مواد ۶۴۰ لغایت ۶۴۷ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه نیز رویکردی مشابه داشته و در اقدامی نوآورانه در ذیل ماده ۶۴۶، به دادرسی دادگاه این توانایی در مدیریت دادرسی را داده است که در موارد ضروری، زمان کوتاه‌تری را در مقایسه با موعد قانونی، در نظر بگیرد.^۸

^۶ یکی دیگر از جلوه‌های مدیریت زمان دادرسی، می‌تواند تغییر در زمان‌های ثابت، بنا به فراخور نوع دعوا، باشد. بر همین مبنا و با ملاحظه مواد ۸۰، ۸۳ و ۸۷ از لایحه آیین دادرسی تجاری، تهیه‌کنندگان پیش‌نویس اخیر، زمان واخواهی، تجدیدنظر و فرجام‌خواهی را برای اشخاص مقیم ایران ۱۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج ۲۰ روز در نظر گرفته‌اند. دلیل خطمشی اخیر در کنترل زمان از طریق کاهش زمان ثابت را می‌توان ماهیت دعوی تجاری برشمرد. تدقیق در ماده ۵۹ از همین لایحه نیز اولویت بهره‌مندی از سیستم‌های الکترونیکی را گوشزد می‌نماید

^۷ ماده ۴۲۲: مواعیدی را که قانون تعیین نکرده است دادگاه معین خواهد کرد...

^۸ Les dispositions qui précèdent ne font pas obstacle au pouvoir des juges, en cas d'urgence d'abréger les délais de comparution ou de permettre de citer à jour fixé.

دادرسی سیستم عدالت مدنی را نتیجه زمان‌بر بودن جریان دادرسی مدنی تحلیل می‌نماید. در حقوق داخلی نیز از زمان‌بر بودن دادرسی به معضل دادرسی و زخم مزمن آن تعبیر شده است (۳۵).

در این مبحث تلاش شده تأثیر کیفیت آیین دادرسی بر حقوق شهروندی در فرایند دادرسی بررسی شود.

۵-۳-۱. کاهش زمان دادرسی

یکی از مؤلفه‌های کیفیت آیین دادرسی، زمان دادرسی است. ساماندهی جریان دادرسی مدنی در یک فرجه زمانی قابل قبول در زمره حقوق بنیادین بشری و از مصادیق حق برخورداری از دادرسی عادلانه است. نشانه‌های مربوط به تأکید بر بهینه‌گرایی در زمان دادرسی را می‌توان در اسناد بین‌المللی و حقوق کشورهای خارجی، به‌وفور، به دست آورد. مدیریت زمان دادرسی بستگی تام به روزآمد بودن دادگستری در استفاده از ابزارها و تکنیک‌های نوین، خطمشی‌های قانونی در پیش‌بینی شاخص‌های زمان استاندارد و سازوکارهای دسترسی به آن و، نهایتاً، ایجاد شرایط همکاری و مشارکت بازیگران دادرسی در خصوص زمان توافقی دارد. بنابراین یکی از راهکارهای دستیابی به مدیریت کارآمد زمان دادرسی، استانداردسازی زمان دادرسی یا، به عبارت بهتر، معقول و متعارف نمودن زمان دادرسی^۱ و تناسب زمان دادرسی است. تناسب زمان دادرسی^۲ به معنای اختصاص زمان مناسب^۳ به پرونده‌ها، با توجه به اندازه، ماهیت و ارزش آن‌ها از یک‌سو، و قرار دادن سقف زمان حداکثری^۴ برای سرانجام دعاوی، از سوی دیگر است (۳۶). اختصاص زمان مناسب از دو الگوی رایج پیروی می‌کند. الگوی توزیع زمان دادرسی^۵، به عنوان یکی از معیارهای تعیین تناسب در پرونده‌های دادرسی مدنی است. در این الگو، قانون‌گذار، اقدام به تعیین مواعد و مهلت‌های قانونی در اداره جریان دادرسی مدنی می‌نماید. لحاظ مدت ۲۰ روز یا ۲ ماه برای اعتراض به آراء تعیین مدت

^۱ Le Temp

^۲ Proportionality of Time

^۳ Timeframes

^۴ Deadline

^۵ A Time Distribution Model

بند ۱ از ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۴ بر لزوم رسیدگی در مدت زمان متعارف تأکید می‌نماید. بند ۳ از ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به لزوم حضور در نزد دادرس و انجام دادرسی در اسرع وقت تأکید دارد. همین رویکرد را در اصل ۷ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، با تدبیری عمیق‌تر، می‌توان ملاحظه نمود. بند ۱ از اصل مزبور با عنوان سرعت در اجرای عدالت مقرر می‌دارد که دادگاه باید در مدت متعارف به حل و فصل اختلافات اصحاب دعوا بپردازد.^۵

در حقوق خارجی نیز تأکید بر اصل معقول و متعارف بودن زمان دادرسی است. ماده ۱ از قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال ایالات متحده آمریکا، دسترسی سریع، عادلانه و ارزان را در ردیف اهداف سیستم عدالت معرفی می‌نماید.^۶ ماده ۱ از قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان^۷ نیز به سرعت در جریان دادرسی مدنی توجه نموده است.

در حقوق دادرسی مدنی ایران هرچند که به صراحت به لزوم معقول بودن زمان دادرسی اشاره‌ای نگردیده است، لکن از مفهوم ماده ۱۰۴ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹، مبنی بر استثنایی بودن تجدید جلسات و دقت در فرازی از ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مبنی بر جرم بودن تأخیر عمدی در صدور رأی و بندهای ۲ و ۳ از ماده ۱۴ و بندهای ۳ و ۴ از ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰،^۸ همچنین با عنایت به

الگوی دیگر در تعیین زمان مناسب عبارت از الگوی ماهیت (وزن) دعوا^۱ است (۳۷). در این الگو با استفاده از آمار قضایی، آمایش قضایی و شناسایی فراوانی و کمیت دعاوی، اقدام به طبقه‌بندی دعاوی مدنی گردیده و بر این مبنا، زمان استاندارد یا مناسبی تعیین می‌گردد. در حقوق ایران می‌توان به دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی^۲ اشاره داشت. در دستورالعمل مزبور، حداکثر زمان اختصاص یافته به پرونده‌های حقوقی و کیفری به تفکیک و به تفصیل تعیین گردیده بود. به عنوان مثال دعوی تخلیه ید ۶ ماه، دعوی خلع ید ۸ ماه، دعوی فسخ قرارداد ۶ / ۵ ماه، دعوی تعدیل اجاره بها ۶ ماه، دعوی اعسار از محکوم به ۳ ماه و... تعیین گردیده بود. زمان‌های پیش‌بینی شده مقطوع تلقی شده و صرفاً در موارد ویژه و عطف به اعلام به ریاست حوزه قضایی، حداکثر نصف زمان به مهلت مقرر اضافه می‌گردید. در همین راستا بند «و» از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقدام به تعیین زمان حداکثری و استاندارد نموده و بر آن است که مدت زمان رسیدگی به پرونده در محاکم کیفری حداکثر سه ماه و پرونده‌های حقوقی پنج ماه نباید بیشتر باشد.^۳ در نتیجه بدیهی است که بخشی از مقدمات رسیدن به زمان مناسب، لزوم تعادل در امکانات و منابع سیستم عدالت است. بخشی دیگر متوجه استفاده از فناوری فاوا در جریان دادرسی مدنی به منظور دستیابی به ذخیره زمانی است و بخشی نیز به همکاری بازیگران دادرسی و رعایت اصل حسن نیت برمی‌گردد.

⁴ Reasonable Time = Le délai raisonnable

⁵ The Court Should Resolve The Dispute Within a Reasonable Time

⁶ Federal Rules of Civil Procedure (FRCP) 1938 (amended to 2006 and 2010): Rule 1: ... they shall be construed and administered to secure the just, speedy and inexpensive determination of every action.

⁷ Civil Procedure Rules (CPR) 1998: Article 1/1(d): ensuring that it is deal with expeditiously and fairly.

^۸ ماده ۱۴- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازات انتظامی درجه یک تا چهار (توبیخ تا کسر از حقوق محکوم خواهند شد. بند ۲: عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا با تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن: بند ۳: عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضای آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه. ماده ۱۵- مرتکبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب به یکی از مجازات‌های انتظامی درجه چهار تا هفت حقوق و تنزل درجه) محکوم خواهند شد.

¹ A Caseload Weighting Model

^۲ دستورالعمل آزمایشی استاندارد زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی مصوب ۱۳۸۷ / ۱۰ / ۰۱. به شماره ۸۴۳۳ / ۸۷ که به تبع بند ۴ از بخشنامه شماره ۱ / ۸۷ / ۳۹۲۶ مورخ ۱۳۸۷ / ۰۴ / ۱۹ رئیس قوه قضائیه مبنی بر جابجایی جریان رسیدگی‌های قضایی و به پیروی از بند ۱ سیاست‌های کلی قضایی تصویب و عملیاتی گردید.

^۳ البته در تبصره بند یاد شده آمده است: "در صورتی که موضوع دعوا بنحوی باشد که برای تکمیل پرونده و صدور رأی به زمان بیشتری نیاز باشد، این امر با ذکر دلیل به مقام بالاتر اعلام می‌شود به گونه‌ای که برای اصحاب دعوا نیز قابل دسترسی باشد. بندهای ۴ و ۷ از ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات نیز در مقام سوء مدیریت دادرسی (ان) در ارتباط با هدر دادن زمان دادرسی اقدام به پیش‌بینی ضمانت اجرایی نموده‌اند.

عدم تعلل است، ولی با توجه به این که از جمله حقوق اصحاب دعوا، استفاده از وقت دادرسی اختصاص یافته است، لذا صدور حکم پیش از اتمام وقت، سلب حق دفاع بوده و معارض با اصل تناظر است. از این رو چنین اقدامی، عجله محسوب می‌شود که پسندیده نیست.

صرف نظر از آثار زیان‌بار اطلاع‌دهی دادرسی بر اصحاب دعوا و بیت‌المال، مهم‌ترین آثار اطلاع‌دهی دادرسی، سلب اطمینان مردم از حاکمیت و قانون‌گرایی است. از این رو، شناسایی علل اطلاع‌دهی اهمیت دارد.

اطلاع‌دهی دادرسی به طور کلی برخاسته از دو علت است: ۱. علل منتسب به قانون، اعم از شکلی و ماهوی؛ ۲. علل منتسب به اشخاص، اعم از اصحاب دعوا یا مأموران دولتی مداخله‌کننده در دادرسی (۴۰). دادرسی با توجه به وظیفه‌ی مضاعفی که به عنوان مدیر دادرسی بر عهده دارد، دارای نقش محوری در تسریع یا تطویل دادرسی است؛ او وظیفه دارد مراقبت کند که زمان تلف نشود و باید از سوءاستفاده و اقدامات اطلاع‌دهی هزینه اشخاص پیشگیری کند.

بعضی از حقوقدانان در خصوص سرعت در دادرسی گفته‌اند: معقول و متعارف بودن زمان دادرسی، ایجاباً وسیله‌ی تأمین سرعت در دادرسی نیست، بلکه به نحو سلبی موجب می‌شود با از بین رفتن اطلاع، سرعت مناسب در دادرسی تضمین شود (۴۱). این نظر با نگاه محض حقوقی به زمان دادرسی ارائه شده است؛ زیرا عدم اطلاع، همان سرعت در دادرسی تلقی گردیده است. این نظر در بسیاری از مصادیق صحیح است، ولی همیشه چنین نیست و سرعت ممکن است مفهوم ایجابی نیز داشته باشد. به عنوان نمونه، هرگاه با رعایت مقررات و اصول دادرسی، تأخیر غیرقانونی و اطلاع‌دهی در دادرسی دیده نشود و به ظاهر، زمان استفاده شده، معقول و متعارف باشد، با استفاده از ابزارها و مهارت‌های غیرحقوقی مانند مدیریت زمان، می‌توان با کم کردن زمان دادرسی، به نتیجه‌ی مشابه و مطلوب دست یافت.

لزوم رسیدگی تومان (ماده ۱۰۳)، امکان صدور رأی نسبت به بخشی از پرونده (۲۹۸)، لزوم تفکیک دعوی طاری با قصد اطلاع دادرسی و رسیدگی مجزا بدان‌ها مواد ۱۳۳ و ۱۳۹)، لزوم دادن مهلت مناسب جهت ارائه اصل سند (تبصره ماده ۲۲۰) و تدابیری نظیر آن‌ها، می‌توان به طور تلویحی قائل به اصل لزوم معقول و متعارف بودن زمان دادرسی در حقوق ایران شد (۳۸).^۱ و برداشت اخیر با ملاحظه بند ک از ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنجم توسعه با موضوعیت تکلیف قوه قضائیه مبنی بر طراحی سامانه الکترونیکی کاهش زمان دادرسی، قوت می‌گیرد. باید اذعان داشت که اولین اولویت در رسیدن به اصل لزوم متعارف بودن زمان رسیدگی پیش‌بینی روش‌های جلوگیری از تأخیر ناروا و ضمانت اجرای ناشی از آن است. اولویت بعدی نیز دربردارنده ذخیره زمانی حداکثری در جریان دادرسی به منظور بهره‌وری در خدمات قضایی و تأمین رضایت آیینی بازیگران دادرسی، به عنوان یکی از مبانی عدالت آیینی، است.

دیوان عالی کشور در رأی شماره‌ی ۲۴۲ به تاریخ ۱۰/۱/۱۳۲۶/۳۶ صادره از شعبه‌ی سوم آورده است: «با آن که عادت وقت هر جلسه، کمتر از نیم ساعت منظور نمی‌شود و حضور هر یک از طرفین و ارائه‌ی لایحه‌ی آن‌ها در تمام وقت مقرر پذیرفتنی است، بنابراین، با عدم حضور یکی از طرفین، صدور حکم یا قرار در اوایل وقت مقرر موقعیتی ندارد» (۳۹). اقدام به صدور حکم پیش از انقضای زمان دادرسی، اگر چه باهدف

بند ۳: دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه. بند ۴: تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر علت.

۱ دادگاه عالی انتظامی قضات در رأی شماره ۲۰۲ مورخ ۱۰/۰۵/۱۳۷۱ تجدید جلسه از سوی رئیس دادگاه را جهت ملاحظه دلایل خواهان، به استناد ماده ۱۹۹ از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ تخلف ندانسته است (ردیف سوم از ذیل ماده ۱۹۹) لکن همین مرجع قضایی در دادنامه شماره ۱۷۱ مورخ ۱۵/۰۶/۱۳۷۵/۰۶ تجدید جلسه را، هر چند به قصد کشف حقیقت، و تأخیر ناروا در جریان دادرسی مدنی را تخلف دانسته و چنین انشاء نموده است که: با توجه به دفاع رئیس دادگاه حقوقی دو که برای احراز حقانیت مدعی جلسات را تجدید نموده، بر فرض صحت این امر، تأخیر در رسیدگی به دعوی که مستلزم تطویل نبوده صحیح نیست و تخلف نامبرده مسلم است. بنابراین رد پای اصل معقول و متعارف بودن زمان رسیدگی به عنوان اصلی بنیادین و عقلانی در رویه قضایی ایران نیز پیدا می‌شود.

۵-۳-۲. کاهش هزینه دادرسی

هزینه دادرسی عبارتست از هزینه‌هایی که بابت صدور حکم یا قرار به هنگام تقدیم دادخواست از سوی خواهان بایستی پرداخت گردد. مقنن در ماده (۵۰۲) قانون آیین دادرسی مدنی اشعار می‌دارد: «هزینه دادرسی عبارتست از: ۱. هزینه‌ی برگ‌هایی که به دادگاه تقدیم می‌شود. ۲. هزینه‌ی قرارها و احکام دادگاه و در ماده (۵۰۳) همان قانون مقرر کرده «هزینه‌ی دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و اعتراض به حکم غیابی و متقابل و ورود و جلب ثالث و دادخواست تجدیدنظر و فرجام و اعاده‌ی دادرسی و هزینه‌ی وکالت‌نامه و برگ‌های اجرایی و غیره همان است که در ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ و یا سایر قوانین تعیین شده است که به صورت الصاق و ابطال تمبر یا واریز وجه به حساب خزانه پرداخت می‌گردد که به استناد بند (۱۲) از ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۱۳۷۳ هزینه دادرسی تعیین و بر اساس آن خواهان هنگام تقدیم دادخواست بایستی به میزان خواسته تمبر ابطال و الصاق نماید. «در مبحث هزینه‌ها، تعیین هزینه‌ها بر اساس نرخ یا درصد معین بدون توجه عوامل مختلف نظیر ماهیت و پیچیدگی دعوا، ارزش اثباتی دلایل و... و نیز تعیین هزینه‌ها از سوی دادگاه بدون امکان تخفیف یا معافیت در موارد ناتوانی شخص پرداخت‌کننده موجب عدم تناسب می‌شود» (۵).

۵-۳-۳. کمک به تحقق عدالت مدنی

اصل تناسب^۱ در دادرسی مدنی به دو معنی است. معنی نخست عبارت از اصل تناسب نهاد قضایی^۲ و معنی دوم نیز مشعر بر اصل تناسب پاسخگویی است (۳۷). در مبحث اصل تناسب نهاد قضایی به نسبت امکانات سیستم قضایی و نسبت تخصیص صلاحیت‌ها توجه می‌شود. تحلیل اقتصادی سیستم عدالت مدنی بر آن که باید بین رشد جمعیت و فراوانی دعاوی از یک طرف و تشکیلات مادی سیستم عدالت مدنی، از طرف

دیگر، رابطه توازن و تعادل برقرار باشد. از سوی دیگر، تخصیص پرونده‌ها^۳ باید متناسب با اندازه^۴ و ماهیت پرونده^۵ باشد. بر همین مبنا است در بند ۱ از ماده ۸-۲۶ قواعد آیین دادرسی مدنی انگلستان (۱۹۹۸)، ملاک‌های تخصیص پرونده در هشت بند شمارش شده‌اند.^۶ همچنین است مواد ۴۲ الی ۴۶ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه که به دنبال تقسیم عادلانه و کارآمد و در دسترس امکانات سیستم قضایی است (۴۲).

اصل پاسخگویی دادرسی نیز زمانی مورد خدشه قرار می‌گیرد که سیستم عدالت مدنی از فقدان تخصص‌گرایی از یک سو و افزایش فراوانی دعاوی طبقه‌بندی نشده رنج ببرد. جالب است که کمیسیون اروپایی دادگستری کارآمد، یکی از شیوه‌های جلوگیری از تأخیر در جریان دادرسی مدنی را تخصصی نمودن دادگاه‌ها^۷ محاجه نموده است (۴۳). تخصصی نمودن دادگاه‌ها موجب تسلط زمانی و علمی بر مفاد پرونده‌ها شده و انتظار از دادرسان نیز متعارف می‌گردد.^۸

۵-۳-۴. تأثیر بر دسترسی سریع و به روزآمد بودن**دادگستری**

اصل دسترسی به دادگاه^۹ یکی از شاخص‌های دادگستری کارآمد بوده و از معیارهای حقوق شهروندی در فرایند دادرسی

³ Allocating Cases

⁴ Size of Case

⁵ Nature of Case

⁶ از جمله این ملاک‌ها را می‌توان: ۱- ارزش مالی پرونده ۲- ماهیت دعوا ۳- پیچیدگی اطلاعات موضوعی و حکمی دعوا ۴- تعدد طرفین دعوا ۵- ارزش دعاوی متقابل ۶- اوضاع و احوال پرونده ۷- میزان ادله شفاهی پرونده و ۸- اهمیت پرونده نسبت به اشخاصی که جزء طرفین دعوا نیستند، نام برد.

⁷ Court Specialisation

⁸ لازم به توضیح است که برخی نیز یکی از اسباب عدم تناسب سیستم عدالت مدنی را به قواعد دادرسی از قبیل عدم دسترسی سریع و معقول به قوانین مقررات و آیین‌نامه‌ها دانسته‌اند که وقت زیادی را از دادرسان گرفته و آنها را در پیچ و خم قواعد پراکنده گرفتار می‌کند. لکن از آنجا که در گفتار مربوط به چالش‌های کلان نظام دادرسی مدنی به چالش در قواعد دادرسی اشاره گردید، لذا سعی شد تا از تکرار پرهیز گردد.

⁹ Access to Justice = Access to Court = Right to a Court

حق دسترسی به دادگاه برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ و در پرونده K.Golder v U توسط دادگاه استراسبورگ مورد استناد قرار گرفته است. حق بر دادرسی عقلایی و عادلانه نیز برای اولین بار در سال ۲۰۰۲ و در پرونده The Court of Appeal in

¹ Principle of Proportionality

² The principle of Juris dictional Proportionality

کارکردی نموده است. حوزه فناوری‌های راجع به مدیریت اداری سود سهام عدالت مدنی^۸ و حوزه فناوری‌های مربوط به مدیریت بهینه فضایی^۹، دسترسی به سیستم‌های حاوی داده‌های قضایی^{۱۰} و انعطاف در اداره مادی جریان دادرسی از قبیل استفاده از ویدئو -کنفرانس‌ها^{۱۱} می‌تواند مدنظر قرار گیرد (۴۸). البته بدیهی است که در کنار تغییر روش دادرسی باید، به زمان‌های دادرسی مشارکتی^{۱۲} و زمان‌های دادرسی مذاکره‌ای^{۱۳} نیز توجه، نمود (۲۰). به نظر نگارنده علاوه بر ملاحظه زمان الکترونیکی در فرآیند مدیریت زمان دادرسی باید به الگوهای قراردادی زمان در راستای توزیع عقلایی^{۱۴} آن توسل جست. از جمله الگوهای قراردادی زمان دادرسی را می‌توان الگوی توافق‌نامه‌های راهنما^{۱۵} و برنامه‌های زمانی جریان دادرسی^{۱۶} نام برد که از طریق ایجاد سرعت و پویایی در دادرسی، نهایتاً، به کیفیت دادرسی آن نیز مساعدت می‌نمایند. آنچه که در اینجا حائز اهمیت است، مذاقه در ماهیت زمان دادرسی به منظور معقول و متعارف نمودن آن و استخدام ابزارهای الکترونیکی در جهت پوشش دادن به شکل زمان دادرسی است.

۵-۳-۵. تأثیر بر مشارکت و همکاری طرفین دادرسی

مدنی

اصل همکاری^{۱۷} در کنار اصل تقابل^{۱۸} جزء اصول راهبردی دادرسی مدنی^{۱۹} محسوب می‌شود. اصل اخیر اصحاب دعوا را در مواجهه با یکدیگر و دادرسان دادگاه ملزم به رعایت مشارکت حداکثری می‌نماید (۴۹). بند ۱ از اصل ۱۱ اصول

محسوب می‌شود. اصل دسترسی به دادگستری عبارت از مجموعه عوامل حقوقی و سازمانی سیستم عدالت مدنی در راستای ارائه خدمات قضایی^۱ قابل دسترس و مؤثر^۲ است (۴۴). در تبیین اصل اخیر گروهی از آن به برابری^۳ در دسترسی به تجهیزات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دستگاه قضایی، به نحو معقول و متعارف^۴ اشاره داشته‌اند (۴۵). گروهی دیگر نیز مراد از اصل دسترسی به دادگاه و دادگستری را مستتر در رایگان بودن^۵ دانسته و از اصل دسترسی رایگان به دادگستری^۶ سخن رانده‌اند (۴۲). برخی از دکتربین حقوق دادرسی مدنی نیز، به اعتبار نتیجه دادخواهی، اصل دسترسی به دادگستری را متضمن غایت عادلانه و دستیابی به جبران متناسب^۷ در برآیند دادرسی مدنی محاجه نموده‌اند (۴۶).

اصل بهنگام و بروز بودن سیستم عدالت مدنی، بستری را برای کنترل زمان دادرسی و حتی ذخیره آن ایجاد می‌نماید. تسریع در دادرسی مدنی نیازمند بهره گرفتن از ابزارهای کارآمد از قبیل الکترونیکی نمودن جریان دادرسی است (۴۷). در دنیای معاصر توسعه فناوری ساعات و ارتباطات موجب شده است تا دادرسی‌های برخط (آنلاین)، ابلاغ‌ها و تبادل لوایح الکترونیکی، استعلام الکترونیکی، بایگانی مجازی و اموری مشابه، شکل گرفته و مدیریت زمان دادرسی به شیوه‌ای مطلوب و رضایت بخش انجام گیرد. بنابراین اصل تسریع در دادرسی با بهره‌گیری از فناوری‌های IT امکان تحقق دارد.

الکترونیکی شدن جریان دادرسی مدنی را باید در ساختار دادگاه‌ها و ارتباطات شبکه قضایی از یک جهت، همچنین، تبادل اطلاعات بین اصحاب دعوا یا وکلای آن‌ها، از جهت دیگر جست‌وجو نمود. کمیسیون اروپایی کیفیت دادرسی دادگستری در یکی از گزارش‌های خود سهم دادگاه‌ها در استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را متوجه دو حوزه

English v Emery Reimbold & Strick Ltd مورد توجه دادگاه قرار گرفت (۳۷).

¹ The Availability of Judicial Services

² The Effectiveness of Judicial Services

³ Equality Principle

⁴ The Reasonable Access Principle

⁵ Free

⁶ The Principle of Free Access to Justice

⁷ To Achieve Appropriate Redress

⁸ Technologies for The Administrative Staff

⁹ Technologies for Supporting Judges

¹⁰ Data Systems

¹¹ Video Conferencing

¹² Le temps de la coopération

¹³ Le temps de la négociation

¹⁴ A Time Distribution Models

¹⁵ Pilot Project Protocols

¹⁶ Timeframe

بند ۳ از ماده ۱۴ اصول آیین دادرسی مدنی فراملی نیز به برنامه زمانی در دادرسی

با مبنای قضایی یا قراردادی اشاره دارد.

¹⁷ Co-Operation Principle

¹⁸ Adversarial Principle = le principedu contradictoire

¹⁹ The guiding principles of trial = principes directeurs du procès

مشعر بر صدور قرار رد دعوی خواهانی است که دعوا را به سکوت گزارده است. شاید بتوان مدلول ماده ۹۵ از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب ۱۳۷۹) را مصادیقی از عدم مشارکت و همکاری خواهان در جریان دادرسی و نتیجتاً صدور قرار ابطال دادخواست برشمرد. به موجب این ماده "عدم حضور هر یک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست. در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خواننده هم دادگاه نتواند رأی بدهد. همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند، درخواست ابطال خواهد شد".

عدم همکاری دوجانبه نیز با انعکاسی از فرهنگ ترافع - محور اصحاب دعوا است و یا اینکه جریان دادرسی توأم با سوءرفتارهای آیینی و خروج اصحاب دعوا از رعایت اصل حسن نیت در دادرسی است امتناع از ابراز سند موضوع مادتین ۲۰۹ و ۲۱۰) عدم ارائه اصول اسناد (مواد ۹۵، ۲۵۶ و ۱۵۹) از قانون آیین دادرسی مدنی ایران و همچنین استفاده نابهنگام از امتیازهای دادرسی (اصل ۴۰ قانون اساسی) می‌تواند از جمله مصادیق سوءنیت در دادرسی قلمداد شود. ماده ۱۶۵ و ۲۹۸ از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ نیز، تا اندازه‌ای دایرمدار ضمانت اجرای عدم همکاری طرفین در فرآیند دادرسی مدنی بودند. در حقوق تطبیقی نیز می‌توان به ماده ۱۱۸ از قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه اشاره داشت. به موجب این ماده دادگاه می‌تواند به وضع ضمانت اجرای مالی علیه طرفی اقدام نماید که تعمداً به دنبال اطاله دادرسی بوده است.

۶. نتیجه‌گیری

مفهوم کیفیت دادرسی، که از مفاهیم اقتصاد حقوق است، تأکید بر کارایی دادرسی دارد. زمان دادرسی، هزینه‌های دادرسی و دادرسی منصفانه از مهمترین عناصر کیفیت دادرسی، است. کیفیت آیین دادرسی مدنی از طریق کاهش

آیین دادرسی مدنی فراملی نیز اصحاب دعوا و وکلای آن‌ها را مکلف به برقراری همکاری و مشارکت در راستای ساماندهی اختلاف به نحو مؤثر و با سرعت معقول و متعارف سوق می‌نماید. بلافاصله بند ۶ از اصل ۱۵ نیز ضمانت اجرای عدم مشارکت در دادرسی را به اصل ۱۷ احاله داده است که حاوی ضمانت اجرای مالی و غیرمالی متناسب با تخلف یا سوءرفتارهای آیینی است.

پروفسور کادیه بر آن است که مشارکت اصحاب دعوا باعث ایجاد توازن^۱ و کنترل جریان دادرسی می‌گردد (۴۹). بنابر این اصل همکاری، دو سویه دارد. یک سوی آن به نقش دادرسی دادگاه در ایجاد فضای مشارکت اصحاب دعوا اشاره دارد. سوی دیگر همکاری نیز متمرکز در نقش اصحاب دعوا در جریان دادرسی است (۵۰).

اصل همکاری و مشارکت دادرسی به معنی راهبری فعالانه و مدیرانه جریان دادرسی با لحاظ مشارکت اصحاب دعوا است. بنابراین نه تنها دادرسی باید پرونده را راهبری نماید بلکه در مشارکت‌دهی نیز سهیم است در حقوق ایران و در قانون نظارت بر رفتار قضات (مصوب ۱۳۹۰/۰۷/۱۷) به برخی از ضمانت اجرای عدم همکاری مؤثر دادرسان در جریان دادرسی و یا سوءرفتارهای قضایی آنان توجه شده است به عنوان مثال اهمال در انجام وظیفه محوله (بند ۸ ماده ۱۴)، تأخیر غیرموجه در صدور رأی (بند ۳ از ماده ۱۴)، عدم رعایت مقررات صلاحیت (بند ۵ ماده ۱۵)، مستند و مستدل نبودن رأی (بند ۱ ماده ۱۵)، خروج از بی‌طرفی (بند ۲ ماده ۱۷)، خارج کردن مستندات و لوایح طرفین (بند ۳ ماده ۱۷) و غیره، همگی، نشانه‌هایی از انفعال دادرسی (آن) یا عدم مشارکت و همکاری مؤثر آن‌ها است.

عدم همکاری اصحاب دعوا نیز یا یک‌جانبه است و یا دوجانبه. در خصوص عدم همکاری یک‌جانبه، دادبرده یا دادخواننده حالتی انفعالی و خنثی را در جریان دادرسی به خود می‌گیرند. این رویکرد، زمان دادرسی را به تأخیر می‌اندازد به همین خاطر است که بند ۱ از اصل ۱۵ اصول آیین دادرسی فراملی

^۱ Balance

اعسار از پرداخت برای این قسمت از هزینه دادرسی قابل پذیرش باشد.

۷. تقدیر و تشکر

نویسندگان از کلیه اشخاصی که در راه گردآوری و تهیه پژوهش حاضر یاری رسانده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

۸. سهم نویسندگان

نگارش و تألیف: محمد جواد روحیان و راهنمایی، مشاوره و نظارت بر نگارش مقاله: دکتر محمود قیومزاده و دکتر سید ابراهیم حسینی.

نویسندگان از پژوهش معیارهای استاندارد نویسندگی بر اساس پیشنهادات کمیته بین‌المللی ناشران مجلات پزشکی را دارا هستند.

۹. تضاد منافع

پژوهش حاضر تضاد منافع ندارد.

اطاله دادرسی، کاهش هزینه دادرسی و کمک به دادرسی منصفانه و عادلانه در تحقق حقوق شهروندی در فرایند دادرسی نقش مهمی دارد. اصل تناسب در مباحث مختلف که مهمترین آن‌ها زمان، هزینه و دادرسی منصفانه می‌باشد می‌تواند عمیقاً بر رعایت حقوق شهروندی در فرایند دادرسی تأثیرگذار باشد. در حقوق دادرسی ایران با توجه به وضعیت موجود نمی‌توان از اصل تناسب در تمام موضوعات مذکور قواعدی مشخص استخراج کرد. هرچند در مصادیقی از آن‌ها این امر امکان‌پذیر است مانند: قاعده‌ی متناسب بودن تأمین اخذ شده، قاعده‌ی متناسب بودن اموال اخذ شده به عنوان محکوم‌له با وضعیت محکوم‌علیه. همچنین اصل دادرسی منصفانه به عنوان اصلی حاکم بر موضوعات مذکور، مورد توجه قرار نگرفته هرچند در برخی مصادیق بدان پرداخته شده است و همچنین روح حاکم بر برخی مواد از اصل تناسب پیروی می‌کند.

پیشنهادهای

جهت ارتقاء کیفیت دادرسی و تأثیر آن بر حقوق شهروندی در فرایند دادرسی، پیشنهادهای ذیل می‌تواند راهگشا باشد:

- کمک به ایجاد تناسب میان شرایط اقدام‌کننده و موعد قانونی مورد نظر توسط قانون‌گذار با افزایش مدت مواعد کنونی یا در نظر گرفتن مدتی ثابت با امکان تغییر آن از سوی قاضی با توجه به بعد مسافت.

- کاهش هزینه‌های دادرسی با جلوگیری یا کاهش اطاله دادرسی با در نظر گرفتن وابستگی موجود بین دو عامل زمان و هزینه در تشخیص عادلانه بودن دادرسی

- مشخص نمودن و دریافت مبلغی به عنوان هزینه‌ی اولیه در آغاز طرح دعوا و اخذ مبلغ باقی مانده با توجه به نرخ‌های خدمات و میزان اقدامات انجام شده پس از صدور رأی

- قانون‌گذار در دعاوی مالی، با توجه به هدف مالی خواهان، احتمال عدم وصول محکوم به در مرحله‌ی اجرا و همچنین عناصر مطرح‌شده در تعیین هزینه‌ی دعاوی غیرمالی، هر سال و یا هر چند سال یکبار مبلغ ثابت اولیه‌ای را تعیین و پس از اخذ آن در طول دادرسی و با تعیین مدت و قرار دادن ضمانت اجرای عدم پرداخت، تأدیه‌ی آن را مقرر نماید و از سویی دیگر

References:

1. Dadgar SM, Karimi G. A Study of Prolonged Proceedings in the Iranian Legal System. World Conference on Psychology and Educational Sciences, Law and Social Sciences at the Beginning of the Third Millennium; 2016; Shiraz: Research of Green Industry Idea Market Company. (Persian).
2. Roshan M, Dehghani Firoozabadi H. Government Civil Liability in Prolonging the Litigation Process. *Quarterly Journal of Administrative Law*. 2014;1(3):71-111. (Persian).
3. Afsharnia T, Mobin H. Prolongation of the Judicial Process and Judicial Development. Tehran: Khorsandi Publications; 2010. (Persian).
4. Drahozal CR. Ex Ante Selection of Disputes for Litigation. *University of Kansas School of Law*. 2004;16(14):3.
5. Pourastad M, Saadat M. Principle of Proportion in Civil Procedure. *Azad Legal Research*. 2017;10(35):24-34. (Persian).
6. Dehkhoda AA. Dehkhoda Medium Culture, by Gholamreza Sotoudeh. Tehran: University of Tehran Press; 2006. (Persian).
7. Hornby AS. Oxford Advanced Learner's Dictionary. Oxford Oxford University Press; 2005.
8. Parsayar MR. Contemporary French-Persian Culture. Tehran: Contemporary Culture; 2009. (Persian).
9. Dadgar Y. Components and Basic Dimensions of Law and Economics. Tehran: Tarbiat Modares University, Research Institute of Economics, Noor Alam; 2010. (Persian).
10. Dadgar Y. A Review of Developments in Efficiency in Economic Literature. *Law and Politics Research*. 2007;9(23):104-42. (Persian).
11. Paul A. Samuelson. Foundations of economic analysis. Cambridge: Harward University Press; 1947.
12. Blaug M. The Methodology of Economics (Cambridge. Cambridge Cambridge University; 1990.
13. Structural Measures Adopted By Some Council Of Europe Member States To Improve The Functioning Of Civil And Administrative Justice. 2016.
14. Rostami V, Salimi H. Critique of the Study and Perspectives of the Principle of Application of Proportion in Iranian Judicial Oversight. *Journal of Religion and Law*. 2016;12(18):57-73. (Persian).
15. Fazaeli M. Fair Trial in International Criminal Trials. Tehran: Shahr-e-Danesh Institute for Legal Studies and Research; 2010. (Persian).
16. Pascal M. La Qualite Des Decisions De Justice, Commission européenne pour l'efficacité de la Justice (CEPEJ). 2007;56.
17. Sadri Afshar GH. Contemporary Persian Culture Today. Tehran: Tehran Contemporary Culture Institute; 2002. (Persian).
18. Dehkhoda AA. Persian Culture. 2nd ed. Tehran: Tehran University Press; 2001. (Persian).
19. Moin M. Farhang-e Farsi. Tehran: Amirkabir Publishing Institute; 1996. (Persian).
20. Soraya AM. Le Temps et Le ProcesCivil. Paris: Dalloz; 2002. (Persian).
21. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 8th meeting. 2001.
22. Knutsen ES. The Cost of Costs: The Unfortunate Deterrence of Everyday Civil Litigation in Canada. *Queen's LJ*. 2010;36:113.
23. Shavell S. The level of litigation: Private versus social optimality of suit and of settlement. *International Review of Law and Economics*. 1999;19(1):99-115.
24. Cooter R. Law and Economics. Boston: Adision Wesley; 2000.
25. Macey-Dare R. Litigation Cost Strategies, Settlement Offers and Game Theory. Oxford: University of Oxford; 2007.
26. Almasi NA, Dargahi B. An introduction to the quality of court proceedings in the In an efficient procedure. *Journal of Judicial Law Perspectives*. 2012;58:47-72. (Persian).
27. Hodges C, Vogenauer S, Tulibacka M. Costs and Funding of Chil Litigation: A Comparative Study. Oxford Oxford Legal Studies Research; 2009.
28. Silver C. Does civil justice cost too much. *Tex L Rev*. 2001;80:2073.
29. Kritzer HM. Fee regimes and the cost of civil justice. *Civil Justice Quarterly*. 2009;28:9-25.
30. Bessen J, Meurer MJ. The direct costs from NPE disputes. *Cornell L Rev*. 2013;99:387.
31. Hylton K, Haizhen L. Trial Selection Theory and Evidence: A Review. *Boston Univ School of Law Working Paper*. 2009(12):9-27.

32. Mir Maghzi SH. Macroeconomics with an Islamic approach. Tehran: Publishing Organization of the Institute of Islamic Culture and Thought; 2005. (Persian).
33. Zuckerman AA. Quality and Economy in Civil Procedure-The Case for Commuting Correct Judgments for Timely Judgments. *Oxford J Legal Stud.* 1994;14:353. (Persian).
34. Zuckerman AA. A Reform of Civil Procedure-Rationing Procedure Rather than Access to Justice. *Journal of Law and Society.* 1995;22:155. (Persian).
35. Ebrahimi ZA-A. Investigating the Causes of Prolonged Trial Process. *Legal and Judicial Journal of Justice.* 1993;64(32):168-83. (Persian).
36. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 46.
37. Neil A. The Three Path of Justice. Netherlands: Springer International Publishing; 2018.
38. Behnam HD. The Code of Civil Procedure in Judicial Thoughts. Tehran: Eternal Publishing, Jangal; 2011.
39. Matin Daftari A. Collection of Judicial Procedure, Legal Part. Tehran: Andisheh Works; 2002. (Persian).
40. Dehghani H. Reasons for Prolonged Proceedings in Civil Cases and Ways to Prevent It. Tehran: Shahid Beheshti University; 2004. (Persian).
41. Mohseni H. Litigation flow management Based on Cooperation and in the Framework of Principles of Procedure. Tehran: Anteshar Co; 2010. (Persian).
42. Steiner E. French law: A comparative approach. Oxford: Oxford University Press; 2010.
43. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 81.
44. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 8th meeting. 2011.
45. Himma KE. Towards a theory of legitimate access: Morally legitimate authority and the right of citizens to access the civil justice system. *Washington Law Review.* 2004;79:31.
46. Klaming L, Giesen I. Access to Justice: the Quality of the Procedure. *TISCO Working Paper Series on Civil Law and Conflict Resolution Systems.* 2008;2:2.
47. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 8th meeting, 12.
48. CEPEJ, Access to Justice in Europe, report prepared by the research enforcement of court decisions, 8th meeting. 33-9.
49. Cadet L. Introduction to french civil justice system and civil procedural law. *Ritsumeikan Law Review.* 2011;28:7.
50. Vincent J, Guinchard S. *Procedur civile.* Paris: Dalloz; 1981.



The Iranian Association
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



ORIGINAL ARTICLE

The quality of civil litigation and its impact on the observance of civil rights in the litigation process

Mohammad Javad Rouhiyan¹ , Mahmoud Qayyumzadeh^{2*} , Seyed Ebrahim Hosseini³

1. PhD Student in Private Law, Department of Private Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

2. Full Professor, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Received: 26 June 2021

Accepted: 1 November 2021

Published online: 22 January 2022

Keywords:

Quality of Civil Proceedings

Length of Proceedings

Efficiency

Appropriateness of Time

Appropriateness of Costs

* Corresponding Author:

Mahmoud Qayyumzadeh

Address: Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran.

Postal Code: 39197-15179

Telephone: 86-42433342

Email: Maarefteacher@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: The quality of civil procedure is one of the important and relatively new issues of civil procedure that has received less attention. In this article, an attempt has been made to explain the components of the quality of civil procedure and to further examine its impact on the observance of civil rights in the judicial process.

Materials and Methods: The mentioned article is descriptive-analytical and using the library method, the mentioned subject has been studied and data collection has been done by referring to documents, books and articles.

Results: The concept of quality of proceedings emphasizes the efficiency of proceedings. Procrastination, litigation costs and lack of a fair trial are some of the disadvantages and disadvantages of the civil justice system and the judiciary, which have a negative impact on efficiency, prolonging the litigation process and increasing the costs of litigation until its conclusion. These violations affect citizenship rights and undermine citizenship rights in the litigation process.

Ethical considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Conclusion: The results of this article indicate that the quality of litigation with a focus on efficient litigation, including the fundamental guarantees of the civil justice system has an effective role in respecting civil rights in the litigation process. The quality of the trial focuses on factors such as the reasonableness and timeliness of the proceedings and the proportionality of the costs of the proceedings, and contributes to the observance of citizenship rights in the litigation process by promoting, optimizing and making the case desirable. Accordingly, the litigation process has economic logic and individuals act on the assumption of economic rationality and make choices in order to achieve greater benefits, sometimes accepting litigation in court, and sometimes peace and reconciliation without going to court. They can, and this can lead to a reduction in the length of the proceedings, a reduction in the costs of the proceedings, and therefore the observance of citizenship rights.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Rouhiyan MJ, Qayyumzadeh M, Hosseini SE. The quality of civil litigation and its impact on the observance of civil rights in the litigation process. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.